



دستگیری قتل امیرعلی بعد از یک سال

گروه حوادث/ عامل قتل پسر بچه پستان آبادی که جسدش حدود یک سال قبل در بیابان پیدا شده بود با تلاش پلیس دستگیر شد.

محمدعلی نایب‌زاده، فرمانده انتظامی شهرستان بستان آباد در این باره به فارس گفت: متهم پس از حدود یک سال تحقیقات گسترده و شبانه‌روزی پلیس شناسایی و دستگیر شد و بازجویی‌ها برای یافتن انگیزه وی از این جنایت ادامه دارد.

براساس این گزارش پسر بچه‌ای به‌نام امیرعلی پاشایان ۳ ساله حوالی ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه ۲۱ آبان ۹۹ در حالی که مادرش با زن همسایه در حیاط خانه در حال صحبت بود برای بازی به کوچه رفت اما به طرز مرموزی ناپدید شد. در حالی که تلاش برای یافتن وی از سوی خانواده‌اش و پلیس ادامه داشت یک روز بعد یعنی شامگاه پنجشنبه بیست و دوم آبان ۹۹ حوالی ساعت ۲۰، جسد خونین این پسر بچه در داخل گونی توسط یک چوپان در منطقه علیجان شهرستان بستان آباد پیدا شد و با ورود عوامل انتظامی مشخص شد، پس از کشتن کودک جسد او در آن منطقه رها شده است.

مرد همسر کش در دادگاه:

فرزندانم پیگیر پرونده من نیستند

گروه حوادث / مرد ناناو که به خاطر قتل همسرش به قصاص محکوم شده در حالی ۶ سال بلاتکلیف در زندان است که فرزندانش حاضر به اجرای حکم یا اعلام رضایت نیستند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، خرداد سال ۹۴ مرد میانسالی با پلیس ملارد تماس گرفت و مدعی شد همسر ۴۶ ساله‌اش به‌نام سوسن را به قتل رسانده است. در ادامه مأموران

پلیس به محل اعلام شده رفتند و با جسد زن میانسال مواجه شدند و شوهرش را بازداشت کردند. او در بازجویی‌ها ضمن اعتراف به قتل گفت: همسر را کشتم چون دیگر

مرگ کودک به خاطری احتیاطی راننده

گفت: در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیس مبنی بر وقوع یک فقره تصادف در پارک باباامان شهرستان بجنورد، جانشین فرمانده انتظامی شهرستان بجنورد در پی انجام حرکات نمایشی با کودک ۵ ساله برخورد کرده و پس از آن خودرو را رها و از محل متواری شده است.

وی با بیان اینکه تلاش‌های پلیس برای شناسایی و دستگیری راننده خاطی ادامه دارد به رانندگان توصیه کرد تا از انجام حرکات نمایشی در اندنگی خودروی و والدین نیز در معابر و خیابان‌ها از کودکان خود مراقبت کنند تا شاهد چنین حوادث دلخراشی نباشیم.

سقوط مرگبار زن و مرد در ارتفاعات



خودروی امدادی به محل حادثه اعزام شدند. پس از رسیدن تیم عملیاتی و نجاتگران به محل حادثه و ارزیابی اولیه مصدوم، بعد از انجام اقدامات اولیه درمانی وی را به پایین ارتفاعات منتقل و برای اعزام به مرکز درمانی تحویل عوامل اورژانس دادند.وی با بیان اینکه مصدوم هنگام سنگ نوردی و به علت بیرون آمدن ابزار از ارتفاع ۳۰ متری سقوط کرده بود، بیان کرد، متأسفانه این کوهنورد به علت جراحات شدید وارده با وجود تلاش نیروهای امدادی، در اورژانس فوت کرد.معاون امداد و نجات جمعیت هلال احمر استان عنوان کرد: «محمد حسینی» از کوهنوردان و سنگ نوردان پیشکسوت استان و از اعضا و نجاتگران تیم امداد و نجات کوهستان هلال احمر بوده است.

گروه حوادث/ زن میانسال وقتی متوجه شد

هیچ ارثی از پدر مرحومش به او نمی‌رسد تصمیم گرفت با ربودن نامادری اش، اموال او را تصاحب کند.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل مرد جوانی به دادسرای امور جنایی پایتخت رفت و از ربوده شدن خاله ۹۲ ساله‌اش خبر داد. او زمانی که در مقابل بازپرس حبیب الله صادقی قرار گرفت، در رابطه با ربوده شدن خاله‌اش گفت: خاله‌ام توران پیرزن ثروتمندی است که به تنهایی زندگی می‌کند. چند روزی است که هرچه به با و تماس می‌گیرم جواب نمی‌دهد. خیلی نگران شده و به مقابل خانه‌اش رفتم اما در خانه نبود. فکر کنم برای خاله‌ام اتفاقی رخ داده است.

■ **رد پای یک آشنا**

با گزارش ناپدید شدن پیرزن تنها به دستور بازپرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی

ربودن نامادری

برای تصاحب اموال موروژی

پایتخت تحقیقات برای یافتن توران آغاز شد. در

نخستین گام کار آگاهان اداره آگاهی به بازبینی دوربین‌های مدار بسته اطراف محل زندگی وی پرداختند.

در بازبینی دوربین‌ها مشخص شد خودرویی که راننده آن زنی میانسال است پیرزن را سوار کرده است. با بر ملا شدن این موضوع، کار آگاهان شماره پلاک خودرو را به‌دست آورده و در بررسی‌های صورت گرفته هویت مالک آن که زنی ۶۰ ساله به نام ناهید بود بر ملا شد. در ادامه بررسی‌ها تصویر ناهید به خانواده توران نشان داده شد. یکی از خواهرزاده‌های توران بلافاصله او را شناخت و گفت: ناهید دختر هووی خاله‌ام است. خاله‌ام چند سال بعد از ازدواج متوجه شد که بچه دار نمی‌شود.

خشایار شوهرش هم که عاشق بچه بود تصمیم گرفت با زن دیگری ازدواج کند اما او را به عقد موقت درآورد و از این ازدواج صاحب دختری شد

بودیم. بعد از مدتی که متوجه شدم

نسبت به من بی‌تفاوت شده به او مشکوک شدم و گمان می‌کردم با مرد غریبه‌ای در ارتباط است. چند وقت پیش هم فرزند کوچکم به

من گفت که مادرش فرد دیگری را دوست دارد. این حرف خیلی عصبانی‌ام کرد. روز حادثه در غیاب

فرزندانم با او صحبت کردم اما باز هم بی‌اعتنایی کرد و من از فرط عصبانیت او را کشتدم. الان هم من از کارم پشیمانم و از فرزندانم و دادگاه

تقاضای بخشش دارم. در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و وی را به قصاص محکوم کردند و حکم در دیوان عالی کشور نیز تأیید شد. اما چون فرزندان

نمی‌گوید او همیشه به مادرم شک داشت اگر مادرم به او بی‌توجهی می‌کرد به خاطر بد اخلاقی‌های پدرم بود. مگر می‌شود آدم زنی که ۲۰ سال با او زندگی کرده را به خاطر حرف یک بچه بکشد. پدرم برای اثبات حرف‌هایش هیچ مدرکی ندارد و می‌خواهد با مقصر نشان دادن

مادرم خودش را تبرئه کند به همین خاطر کیفرخواست به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران

فرستاده شد. در جلسه دادگاه پسر ارشد خانواده

به جایگاه رفت و گفت: مادرم زن خوبی بود با اینکه پدرم خیلی مادرم را اذیت می‌کرد اما مادرم به خاطر ما تحمل می‌کرد. پدرم واقعیت را

گروه حوادث/ پلیس در

تعقیب راننده خودروی پژوی است که پس از برخورد با کودک ۵ ساله منجر به مرگ او شده است.

سرهنگ محمد گل محمدزاده جانشین فرمانده انتظامی شهرستان بجنورد در این باره

گفت: در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیس مبنی بر وقوع یک فقره تصادف در پارک باباامان شهرستان بجنورد، جانشین فرمانده انتظامی شهرستان بجنورد در پی انجام حرکات نمایشی با کودک ۵ ساله برخورد کرده و پس از آن خودرو را رها و از محل متواری شده است.

وی با بیان اینکه تلاش‌های پلیس برای شناسایی و دستگیری راننده خاطی ادامه دارد به رانندگان توصیه کرد تا از انجام حرکات نمایشی در اندنگی خودروی و والدین نیز در معابر و خیابان‌ها از کودکان خود مراقبت کنند تا شاهد چنین حوادث دلخراشی نباشیم.

سقوط مرگبار زن و مرد در ارتفاعات

گروه حوادث/ پیکر بی جان دختری جوان در ارتفاعات ماسوله و جسد یک سنگ نورد در یزد که به علت سقوط از ارتفاع جان باخته بودند، کشف شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، روز جمعه بعد از اعلام مرکز کنترل و هماهنگی عملیات مبنی بر گم شدن خانم جوانی در منطقه خربو «ماسوله» اکبپ پایگاه هلال احمر فومن با وی تماس گرفتند و بعد از صحبت کردن و کسب دقیق محل به منطقه اعزام شدند اما بعد از اینکه به منطقه مورد نظر رسیدند اثری از دختر جوان پیدا نشد. با اضافه شدن تیم امدادی جست‌وجوها ادامه یافت تا اینکه پس از ۲ ساعت جسد دختر جوان در حالی که از ارتفاع تقریباً صد متری سقوط کرده بود پیدا شد.

گمانه زنی‌هایی مبنی بر قتل این دختر جوان هم وجود دارد به همین خاطر جسد وی برای مراحل کالبد شکافی به پزشکی قانونی انتقال داده شد.

■ **مرگ سنگ نورد پژدی**

روز جمعه گذشته سنگ نورد ۴۳ ساله یزدی بر اثر سقوط از ارتفاعات و کوه‌های اسامیه در شهرستان تفت جان باخت. «سیدمهدی حسینی» معاون امداد و نجات جمعیت هلال احمر استان یزد اظهار کرد: ظهر جمعه به‌دنبال اعلام خبر سقوط یک کوهنورد ۴۳ ساله در ارتفاعات و کوه‌های اسلامیه، بلافاصله یک تیم و اکتش سریع با یک دستگاه

■ یکشنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۰

■ سال بیست و هفتم

■ شماره ۷۷۴۹

پدر جسد دخترش را به چاه انداخت

گروه حوادث/ مرد جنایتکار بعد از قتل دختر جوانش جسد او را داخل چاهی عمیق انداخت و متواری شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ۲۱ مهر امسال زن جوانی با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ کرمان تماس گرفت و از قتل دختر ۲۲ ساله‌اش به‌دست شوهر خود خبر داد. وقتی مأموران پلیس رفسنجان به خانه این زن رفتند، وی گفت: چند دقیقه قبل شوهرم که از اتباع افغانستان است با من تماس گرفت و گفت دخترمان را کشته و جسدش را داخل یک چاه در بیرون شهر انداخته است.

بلافاصله مأموران پلیس به‌همراه امدادگران آتش‌نشانی به محلی که مرد جنایتکار گفته بود در نزدیکی دانشگاه رفسنجان رفته و با تلاش بسیار جسد دختر جوان را عمق ۱۲۰ متری چاه بیرون کشیدند.

«ایمان شهنواری» دادستان عمومی و انقلاب رفسنجان در این باره گفت: روز جمعه ۲۳ مهر گزارشی مبنی بر قتل یک دختر به پلیس آگاهی داده شد که بلافاصله این موضوع در دستور کار آگاهان پلیس قرار گرفت و تیمی در این رابطه تشکیل شد. بررسی‌ها از خانواده‌وی ادامه پیدا کرد تا بعد از پیگیری جدی پلیس، محل جسد در چاهی به عمق ۱۲۰ متر در نزدیکی دانشگاه کار رفسنجان پیدا شد.

شهنواری ادامه داد: پدر دختر متواری است و اکنون دستور بررسی و تحقیق درباره مظنون به قتل و افراد مرتبط با قتل داده شده تا با دستگیری آنان ابعاد قتل روشن شود. جسد مقتول برای بررسی بیشتر به پزشکی قانونی ارجاع شده و به احتمال قوی علت قتل، مسائل ناموسی بوده است.

قتل مرموز خواننده افغانستانی

گروه حوادث/ جسد خواننده افغانستانی که با ضربه‌های چاقو به قتل رسیده در حالی کشف شد که همسرش می‌گوید آخرین بار به‌دنبال تماس یک زن ناشناس از خانه‌خارج شده بود.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، عصر ۸ مهر مردی رهگذر در تماس با پلیس از کشف جسد مرد جوانی خبر داد. به‌دنبال اعلام این خبر، تحقیقات در دستور بازپرس محمد تقی شعبانی آغاز شد. در بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد مرد افغانستانی با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده است.

در بازرسی از جیب‌های وی هویت او کشف و خانواده‌اش شناسایی شدند. در تحقیقات از خانواده مقتول، همسر او به تیم جنایی گفت: همسرم خواننده زیرزمینی است و در مجالسی که هم ولایتی هایمان برگزار می‌کنند آواز می‌خواند و از این راه کسب در آمد می‌کند. روز حادثه مسعود یکی از اقوام شوهرم میهمان ما بود.

بعد از رفتن او تلفن همراه شوهرم به صدا درآمد. من صدای زنی را پشت خط شنیدم و همسرم برای دیدار با آن زن خانه را ترک کرد. هرچه هم پرسیدم کجا می‌روی و پشت خط چه کسی بود، جواب درستی به من نداد. در تحقیقات صورت گرفته باتوجه به اینکه مسعود آخرین نفری بود که مقتول را زنده دیده بود به دستور بازپرس شعبه دهم دادسرای امور جنایی پایتخت به‌عنوان تنها مظنون پرونده بازداشت شد.

وی در تحقیقات متمرکز شد و گفت: من در خانه مقتول میهمان بودم و بعد هم برای انجام کارم به شهرستان رفتم. به همین دلیل از سرنوشت او اطلاعی ندارم و نمی‌دانم چه اتفاقی برایش رقم خورده است.

به دستور بازپرس جنایی مسعود به‌عنوان تنها مظنون پرونده بازداشت شد و تحقیقات برای شناسایی زن جوانی که با قربانی جنایت تماس گرفته بود نیز ادامه دارد.

پلیس در تعقیب زن تبهکار

گروه حوادث/ زن تبهکار که در یک

نقشه حرفه‌ای مرد ثروتمندی

را ربوده و با همدستی مردی

افغانستانی به قتل رسانده بود.

تحت تعقیب پلیس قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»،

۲۶ تیر امسال مرد جوانی نزد پلیس رفت و از ناپدید شدن پدرش خبر داد. مرد جوان گفت: پدرم وضع مالی خوبی دارد اما از روز قبل که برای انجام کاری از خانه بیرون رفت دیگر برگشت و ناپدید شده است.

■ **آدم ربایی یک میلیاردی**
با شکایت پسر جوان تحقیقات برای یافتن مرد جوانی نزد پلیس رفت و از ناپدید شدن پدرش خبر داد. مرد جوان گفت: پدرم وضع مالی خوبی دارد اما از روز قبل که برای انجام کاری از خانه بیرون رفت دیگر برگشت و ناپدید شده است.

■ **آدم ربایی یک میلیاردی**
با شکایت پسر جوان تحقیقات برای یافتن مرد جوانی نزد پلیس رفت و از ناپدید شدن پدرش خبر داد. مرد جوان گفت: پدرم وضع مالی خوبی دارد اما از روز قبل که برای انجام کاری از خانه بیرون رفت دیگر برگشت و ناپدید شده است.

■ **کشف کسب**
در حالی که تحقیقات برای یافتن گروگان یک میلیاردی ادامه داشت، مأموران گشت کلانتری در بزرگراه امام رضا(ع) جسد مرد میانسالی را کشف کردند که با ضربات چاقو به قتل رسیده بود. در بازرسی از جیب‌های قربانی مدرک شناسایی که هویت او به‌دست بیاید پیدا نشد اما در ادامه تحقیقات مشخص شد وی همان مرد ثروتمند گمشده است.

■ **دستگیری متهمان**

در ادامه تحقیقات، کار آگاهان اداره آگاهی موفق به دستگیری ۲ متهم در این پرونده شدند. در تحقیقات حقیظ به جنایت اعتراف کرد و گفت: مدتی قبل در پارکی نشسته بودم که مرد جوانی به سراغم آمد. او سر صحبت را باز کرد و پیشنهادی وسوسه انگیز به من داد. او گفت مرد ثروتمندی را می‌شناسد که اگر او را برابیم پول خوبی به من می‌رسد. وسوسه‌های آن روز مرد جوان باعث شد که نقشه آدم ربایی را اجرا کنم.

او ادامه داد: من هم برای این کار از زن جوانی به‌نام نازنین کمک خواستم و قرار شد او به بهانه کار با مرد ثروتمند ارتباط بگیرد. بعد از مدتی هم به بهانه‌ای او را به محل قرار که اتاق کوچکی در نزدیکی پارک بعثت بود، کشاند. زمانی که وی وارد اتاق شد من او را خفه کردم. بعد هم جسدش را در کنار بزرگراه امام رضا(ع) انداختیم.

بدین ترتیب با اعترافات حقیظ تحقیقات برای دستگیری نازنین آغاز شد اما ردی از وی به دست نیامد تا اینکه بازپرس شعبه ششم دادسرای امور جنایی پایتخت درخواست کرد تصویر نازنین به‌عنوان یکی از متهمان پرونده منتشر شود تا چنانچه کسی از مخفیگاه و محل زندگی او اطلاع دارد به پلیس ۱۱۰ یا بازپرسی شعبه ششم دادسرای امور جنایی پایتخت اطلاع دهد.

شکایت ۳۰ زن ومرد

از روانشناسی که کشته شد

طلا گرفت، می‌دانم یکی از مراجعه کنندگان یک خانه به دکتر هدیه داده بود تا کاری کند مشکل او با پسرش برطرف شود. او جلساتی تحت عنوان «استفراغ روانی» تشکیل می‌داد و ما را وادار می‌کرد در جمع با خصوصی به کارهای اشتباه و گناهان زندگی مان اعتراف کنیم. بعد از این اعتراف‌ها او وقتی نقاط ضعف ما را پیدا می‌کرد به بهانه‌های مختلف ما را تهدید می‌کرد اگر به درخواست‌اش عمل نکنیم رازمان را بر ملا می‌کند یا درمان نمی‌شویم. دکتر با رفتارهایش افراد زیادی را جذب خودش کرده بود و اموال زیادی را به این شیوه و شگرد به دست آورده بود.

در یکی از پرونده‌ها دختر بیکری از مسئولان کشور برای درمان بیماری وسواس به دکتر مراجعه کرده بود اما دکتر کاری کرده بود که او تحصیل و زندگی در خارج از کشور را رها کرده و از شاگردان و مریدان دکتر شده بود و آنها کلانی هم به دکتر پرداخت کرده بود.

باتوجه به این ۳۰ شکایت از مقتول، تحقیقات برای بازگرداندن اموالی که مقتول از آنها کلاهبرداری کرده بود به دستور بازپرس جنایی ادامه دارد. این در حالی است که دو پسر مقتول با حضور در دادسرای امور جنایی پایتخت از قصاص برادرشان گذشت کردند و او را بخشیدند.

قربانی توان پرداخت تفاضل دیه را نداشتند، پیگیر اجرای حکم نشدند. به این ترتیب، متهم ۶ سال بلاتکلیف در زندان ماند و در نامه‌ای به قضات درخواست کمک کرد.

بنابراین متهم طبق ماده ۴۲۹ قانون مجازات اسلامی باز دیگر از خود دفاع کرد.

در آن جلسه، اصغر بار دیگر به تشریح ماجرا پرداخت و گفت:

فرزندانم برای من قصاص خواستند و حکم اعدامم تأیید شد اما آنها دیگر پیگیر پرونده نشدند و من در زندان بلاتکلیف ماندم. شش سالی است که در زندان هستم و روز ندارم و نگران آینده فرزندانم هستم. من دو بچه کوچک دارم که بچه‌های بزرگم

را نداشتند، پیگیر اجرای حکم نشدند. به این ترتیب، متهم ۶ سال بلاتکلیف در زندان ماند و در نامه‌ای به قضات درخواست کمک کرد.

بنابراین متهم طبق ماده ۴۲۹ قانون مجازات اسلامی باز دیگر از خود دفاع کرد.

در آن جلسه، اصغر بار دیگر به تشریح ماجرا پرداخت و گفت: فرزندانم برای من قصاص خواستند و حکم اعدامم تأیید شد اما آنها دیگر پیگیر پرونده نشدند و من در زندان بلاتکلیف ماندم. شش سالی است که در زندان هستم و روز ندارم و نگران آینده فرزندانم هستم. من دو بچه کوچک دارم که بچه‌های بزرگم

او مخالف بودم و کارهای پدرم را نمی‌پسندیدم به همین دلیل بارها سر همین موضوع با او درگیری پیدا کرده بودم. روز حادثه بعد از خوردن غذا، دوباره با هم دعوایمان شد و ما می‌دانستم اسلحه پدرم کجاست، به سراخ آن رفته و به‌سمت پدرم نشانه گرفتم. پدرم با دیدن اسلحه به‌سمت

دروخوجی رفت تا فرار کند اما من تیر را شلیک کردم. بعد از اصابت گلوله به پدرم پشیمان شدم و فوراً او را به بیمارستان رساندم، اما زمانی که متوجه مرگ او شدم از بیمارستان فرار کردم.

■ **کلاهبرداری‌های سریالی**

با دستگیری پسر جوان در حالی که تحقیقات در این خصوص ادامه داشت؛ بازپرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی پایتخت با شکایت‌های متعددی روبه‌رو شد که همه شاک‌ی‌ها مدعی بودند مقتول از آنها کلاهبرداری کرده است.

یکی از شاک‌ی‌ها در تحقیقات گفت: دکتر فرقه خاصی برای خودش راه انداخته بود و در دو دفتر کارش که یکی از آنها در شمال تهران و دیگری در طبقه بالای خانه‌اش بود، مدام مراسم خاصی برگزار می‌کرد. او به بهانه حل مشکل بیماران با برطرف کردن وسواس آنها مقدار زیادی پول و طلا می‌گرفت. از من ۱۰۰ سکه